

رشیدی کوچی:

## تا فرصت باقی است به خواسته‌های به حق ملت اهمیت دهید

نماینده مردم مرودشت، پاسارگاد و ارسنجان در مجلس شورای اسلام گفت: آقایان عزیز! حضور واقعی در بین آحاد مردم آگاهی از مشکلات آن‌ها و فهم و پذیرش مشکلات آن‌ها است و ارائه راهکار در گرو آن است، از ظرفیت جوانان خوش‌فکر و آگاه به جامعه استفاده کنید، تا فرصت باقی است به خواسته‌های به حق ملت اهمیت دهید و مسیر را اصلاح کنید.

به گزارش سایت خبری پرسون، جلال رشیدی کوچی، نماینده مردم مرودشت، پاسارگاد و ارسنجان در مجلس، در نشست علنی امروز (یکشنبه، ۹ اردیبهشت‌ماه) مجلس شورای اسلامی در ابتدای نطق میان دستور خود با قرائت این بیت شعر «ما را به جرم آیینی بودن شکسته‌اند/ زیرا به روی رنگ تبسم نکرده‌ایم، عنوان کرد: ملت بزرگ و شریف ایران در این مدت که به عنوان خادم شما در خانه ملت حضور داشتم، تمام تلاشم را به کار بستم تا صادقانه، شجاعانه و با حریت صدای شما ملت در خانه ملت باشم. نور امید را در دل‌های غم‌دیده و صبوران روشن کنم، فریاد مظلومیت‌تان باشم و از حقوق اولیه شما دفاع کنم، در برابر پدرخوانده‌ها و اربابان زر و زور و تزویر که زندگی را بر شما سخت‌تر کرده در حد توان بایستم به این امید که زندگی زیباتر و آرام‌تری را برای شما رقم بزنم.

نماینده مردم مرودشت، پاسارگاد و ارسنجان در مجلس یازدهم ادامه داد: از آنجایی که باور دارم با دستمال کثیف نمی‌توان شیشه را تمیز کرد، لذا تلاش کردم با سخت گرفتن بر خودم، اطرافیان و دوستانم از امتیازات و فرصت‌ها استفاده نکرده که در دفاع از حق شما ملت زبان گویاتری باشم و همین امر موجب رنجیده شدن و بعضاً از دست دادن دوستان و نزدیکانم شد.

رشیدی کوچی در ادامه خطاب به ملت بزرگ ایران گفت: خدا را گواه می‌گیرم در این مسیر سخت و گاهاً پرخطر و در این جنگ نابرابر و ناجوانمردانه - چه آن زمان که با طرح ضدمردمی صیانت مخالفت کردم، چه آن زمان که نسبت به عملکرد نامناسب گشت ارشاد تذکر دادم و شنیده نشد؛ چه آن زمان که برای واردات خودرو ایستادگی کردم و مورد غضب مافیای خودرو قرار گرفتم و چه آن زمان که با فیلترینگ و ممنوعیت واردات آیفون مخالفت کردم- لحظه‌ای شک و تردید و ترس به دل راه نداده و بارها مورد تهدید، عتاب، تطمیع، توهین، تخریب و تمسخر قرار گرفتم.

وی تصریح کرد: در این مدت سعی کردم با شناسایی عامل اصلی آسیب به کشور، نظام، دین و ملت، خار در چشم و تیغ در گلوئی جماعت متعصب خشک‌مغز و پرمدعای سوپرانقلابی و انقلابی‌نماهای متعجر باشم. خوارج مسلک‌انی که سال‌ها با تمسک به برخی ظواهر دین و با توهین و تهدید و تزویر و ریاکاری و تخریب، به اسم دین و انقلاب منافع حزبی و شخصی خود را پیش برده و حقوق ملت را پایمال و ملت و نظام را نسبت به شعائر دین، آرمان‌های امامین انقلاب و شهدا بدبین کرده و خون به دل دینداران و دلسوزان و وطن‌پرستان واقعی و رهبری کردند.

رشیدی کوچی تاکید کرد: به آن‌ها می‌گویم از من عصبانی باشید؛ عصبانیت شما از من برایم مقدس و یقیناً توشه آخرتم است. ایستادن در برابر این جماعت که در طول تاریخ بیشترین ضربه را به اسلام زده، وظیفه الهی، انسانی و انقلابی خود می‌دانم.

نماینده مردم مرودشت، پاسارگاد و ارسنجان در مجلس یازدهم بار دیگر خطاب به ملت بزرگ ایران گفت: خدا را گواه می‌گیرم آنچه امروز از مال دنیا دارم همان است که قبل از ورود به مجلس داشتم و خدا را شاکرم در این مسیر ذره‌ای از قوانین الهی، حکومتی، شرعی و عرفی خارج نشدم. در دفاع از حق شما مردم نه معامله‌ای کردم و نه سکوت کردم. اگر قصوری بوده خارج از توان و اختیار و اراده بوده که همین جا از همه شما حلالیت می‌طلبم و به دعای خیر شما نیاز مبرم دارم و از مردم شریف و عزیز حوزه انتخابیه خود تشکر می‌کنم که این فرصت را به این حقیر دادند.

روش‌های سرهنگی مشکلات فرهنگی و اجتماعی را خراب تر می‌کند

رشیدی کوچی در ادامه با اشاره به چند تذکر دلسوزانه از سوی کسی که با تقدیم پنج شهید، همه چیز خود را برای کشور و نظام داده خطاب به مسئولان گفت: دولت‌مردان گرامی؛ تکرار مسیرها و روش‌های غلط گذشته جز تکرار نتایج غلط و تحمیل هزینه‌های بیشتر عایدی برای کشور نخواهد داشت. حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی باید با روش‌های نرم و با ظرافت انجام گیرد؛ روش‌های سرهنگی کار را خراب‌تر می‌کند.

وی تصریح کرد: آقایان عزیز! حضور واقعی در بین آحاد مردم آگاهی از مشکلات آن‌ها و فهم و پذیرش مشکلات آن‌ها است و ارائه راهکار در گرو آن است، از ظرفیت جوانان خوش‌فکر و آگاه به جامعه استفاده کنید، تا فرصت باقی است به خواسته‌های به حق ملت اهمیت دهید و مسیر را اصلاح کنید.

رشیدی کوچی در پایان با بیان اینکه اگر حرفی زدم برای این کشور، دین، انقلاب و نظام دلسوزانه بود، سخنان خود را با قرائت سه بیت زیر به پایان برد

«باری سوار گرده مردم نکرده‌ایم/ خود را به نعمتی گذرا گم نکرده‌ایم

جنگل گواه باش اگر خانه سرد بود/ یک شاخه از درخت توهیمز نکرده‌ایم

گر درتنور دست تهی پیش برده‌ایم / یک جو طمع به حرمت گندم نکرده‌ایم».